

#### تومار

از شهادت حر تا زن نصارا

### مروری بر مشهورترین نسخه‌های تعزیه فارسی

■ تعزیه با آنکه ریشه در نمایش‌ها و آیین‌های نمایشی پیش از اسلام دارد اما در ۴۰۰ سال گذشته یعنی از دوران صفویه شکل گرفته است. این هنر اصیل رشد اصلی خود را در دوران قاجار و به ویژه دورانی که ناصرالدین شاه تکیه دولت را ساخت، شکل گرفت. در میان بیش از ۳۶۵ نسخه تعزیه‌های خودی و غریب برخی از تعزیه‌ها از ارزش و شهرت بیشتری برخوردارند که در اینجا قصد داریم برخی از آنها را معرفی کنیم. ذکر یک نکته مهم خالی از لطف نیست که بخشی از نسخه‌های تعزیه‌های ایران- دقیقاً ۱۰۵۵ نسخه را- اثرپکو چرولی، سفیر سابق ایتالیا در تهران، به قیمت یک-ریال خرید و به کتابخانه واتیکان اهدا کرد. این مجموعه عظیم نسخ خطی تعزیه را بعدها اتوره زسی، کاتالوگ‌بندی کرد.

مجموعه ۳۳ نسخه خطی تعزیه با عنوان «جنگ شهادت» هم یکی از مشهورترین نسخه‌هاست که الکساندرخودز، ایران‌شناس لهستانی، این تعزیه‌نامه‌ها را از حسین علی‌خان خواجه که سرپرستی امور نمایشی دربار قاجار را به عهده داشته است در ۱۲۵۳ ق/ ۱۸۳۷ میلادی خریداری کرد. از این مجموعه پنج نسخه آن تکراری است. این ۲۳ تعزیه‌نامه متعلق به اواخر دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار و اوایل پادشاهی محمدشاه قاجار است. اشعار آنها در عصر فتحعلی‌شاه سروده شده است. بنابراین، نسخ مزبور قدیمی‌ترین نسخه‌های تعزیه به شمار می‌آیند.

**تعزیه حر بن یزید ریاحی**

تعزیه شهادت حر بی‌تردید یکی از مهم‌ترین و زیباترین نسخه‌های تعزیه ایرانی است. تعزیه از زمانی آغاز می‌شود که سپاه کوفه به سمت صحرای کربلا می‌رود. همه داستان را می‌دانیم که حر بن یزید ریاحی یکی از فرماندهان این سپاه در صحرای کربلا به سمت لشکر امام می‌آید و در نهایت هم در رکاب امام به شهادت می‌رسد. صحنه لباس پوشیدن شمر در این تعزیه یکی از درخشان‌ترین صحنه‌های تعزیه است.

از روایت شهادت حر چندین نسخه و تومار وجود دارد اما مشهورترین نسخه که نسخه تکیه دولت است، در آرشویه مرحوم هاشم فیاض قرار دارد. این نسخه همان نسخه‌ای است که برای ثبت تعزیه در یونسکو ارایه شد. ناصر تقوایی هم آن را سا حضور بهترین تعزیه‌خوانان ایرانی جلو دوربین برد. در نسخه سینمایی تعزیه حر مرحوم هاشم فیاض معین البکا بود.

**تعزیه شهادت حضرت علی اکبر**

جوان‌کنشی سرنوشت‌شوم تاریخ ایرانی است. اما در میان روایت‌های کشته شدن جوان‌ها کشته شدن



دو جوان در صحرای کربلا درناک‌تر است. تعزیه حضرت علی‌اکبر یکی از این دو روایت است. صحنه از اذن خواستن علی‌اکبر پسر بزرگ امام حسین(ع) و ام‌الایلا برای رقتن به صحنه نبرد آغاز می‌شود. امام نمی‌خواهد اذن جنگ را به پسر عنایش که شبیه‌ترین فرد به جدش امام علی است، بدهد. اما علی او را راضی می‌کند. صحنه شهادت علی‌اکبر و مرثیه امام حسین بر پیکر فرزند رشیدش نقطه اوج این تعزیه است.

**تعزیه عروسی قاسم**

صحنه کربلاشاهد دو عروسی بود. عروسی‌هایی که هر دو به شهادت مظلومانه دامادها ختم شد. این دو مجلس عروسی به تعزیه‌ها رپیدا کرده. منتها یکی یعنی عروسی وهب به تعزیه‌های غریب و دومی تعزیه اصلی یعنی تعزیه عروسی قاسم(ع) است. داستان شهادت قاسم پسر امام حسن مجتبی است که شب پیش از شهادت زن جواش را عقد کرده است. داستان این نسخه‌ها از نسخه‌های تعزیه تکیه دولت است، براساس روضه‌الشهدای ملا واعظ کاشفی است.

**تعزیه شهادت امام علی(ع)**

تعزیه شهادت امام علی(ع) از رده تعزیه‌های غریب است. داستان به بستر افتادن شیر اسلام و شیر آوردن کودکان کوفه از جلوه‌های این تعزیه است. به این تعزیه‌هایی که محوریت زندگی حضرت علی(ع) را دارد در تعزیه‌های علوی هم می‌گویند.

**تعزیه زن نصارا**

ایسن نمایش اولین بار در تکیه دولت، توسط «گویونو» به زبان فرانسه گزارش شده و تاکنون اجرای مجدد از آن در جایی درج نشده است. این یکی از مشهورترین تعزیه‌های غریب است که ۱۴۰ سال اجرا نشد

داستان آن درباره کاروانی است که به سرپرستی زنی مسیحی پس از وقعه عاشورا وارد کربلا می‌شود. زن کجا برای ریاضه تیرگی می‌زند، خون بیرون می‌چهد. زن مسیحی از علم کردن خیمه صرف نظر کرده و به خواب می‌رود. او خواب افرادی را می‌بیند که اموال شهدا را به غارت می‌برند. مسیح (ع) را می‌بیند که از جایگاه والای امام حسین (ع) می‌گوید. در نهایت زن مسیحی تحت تاثیر این وقایع بر حقایقت مظلومیت شهدای کربلا شهادت می‌دهد.

اگر بخواهیم از نخبه‌ترین مجالس تعزیه صحبت کنیم، می‌توانیم باز هم بگوییم. نسخه‌های تعزیه شهادت امام حسین(ع)، کاروان اسیران کربلا، زن نصارا، داستان غصب فدک، تعزیه سلیمان نبی تعزیه سفیر فرنگ و…

مرد به میانه میدان می‌آید و دستار سبزرنگ را به همراه نقاب سپیدرنگی که به صورت زده را به زمین می‌گذارد و دو زانو روی زمین می‌نشیند. کسی از سوی دیگر صحنه پارچه‌ای که جا به جا سرخ شده را به تن او می‌پوشید. مرد سرخ پوش شمشیرش را در هوا می‌چرخاند و فریاد می‌زند: «هنم شمر، شمر ذی‌الجوشن که می‌خواهم/ جذا سازم سر پسر شیر خدا را از تن/ منم شمر، شمر لعنت شده تا ابد». این را می‌گوید و شمشیر از دستش می‌افتد و همراه با جامعتی که دورتا دور او هق هق می‌کنند…

این رسم هر ساله است – حتی همین حالا که تیاتر فرنگی، تئاتر حرفه‌ای شده و در چندین سالن پایتخت و چند شهر بزرگ با همه مشکلات به صحنه می‌رود – که وقتی مناسبت مذهبی در پیش است، به یاد این می‌افتیم. ما هم گونهای نمایشی داریم سر کهن و کسانی که کم و زیاد هنوز از نان بخور نمیر آن زندگی می‌کنند. هنری که نه تنها ریشه در ۴۰۰ سال مبارزه شیعیان برای نشان دادن حقایقت خود دارد، نمادی از گذشته غنی و کهن ایرانی دارد که ترازوی را پیش از یونانی‌ها می‌شناخته و قبل از آنها را به کار گرفته است. هنری که به قول استاد بهرام بیضایی در کتاب نمایش در ایران: «ها وارث سنت نمایشی هستیم که امروزه جواب می‌دهد و می‌شود موضوعات مدرن را در قالب آن ریخت.» شاید به دلیل همین‌امیتش است که گرد و غبار فراموشی و الزامیر تاریخی ما کمتر بر سر و رویش نشسته و هنوز سوسوبی می‌زند. اما حتی ثبت جهانی این هنر

که در فهرست میراث معنوی جهان قرار گرفته است، نتوانسته باعث شود تا کمی به داد این هنر و هنرمندانی که از راه تعزیه نان می‌خورند برسد. هنرمندانی که از کسان‌شان شنیده‌اند، تعزیه را اعتبار و جایگاهی داشت و حالا که آنها‌قرار است این سنت را ادامه دهند، جز نام از آن هیچ نمانده است. شاید به جای برپایی مجالس تعزیه باید تعزیه‌ای برای خود تعزیه برپا کنیم.

**انجمنی فقط برای نام**

چند سال پیش که وضعیت تعزیه به مرحله خطر فراموشی رسیده بود و بزرگ‌ترین تعزیه‌خوانان در سنین کهولت بودند، گروهی از تعزیه‌خوانان با راهنمایی و تشویق کسایی چون داوود فتحعلی‌بیگی، لاله تقیان و محمدحسین ناصریخت که تلاش‌های زیادی برای حفظ آیین‌های نمایش سنتی ایران می‌کنند، شالوده یک انجمن تعزیه را گذاشتند. انجمنی که چهارسال ثبت آن طول کشید و در نهایت زمانی که تعزیه‌خوانان بزرگ و معین‌الکاهی‌ها سرشناس تعزیه چون هاشم فیاض و رضا عزیزی که از بنیان‌گذاران این انجمن بودند، نبودند. رسمی شدن آن را ببینند رسمی شد. اما در چند سالی که از ثبت این انجمن گذشته، کمتر نل می‌ از شنیده شده است. داوود فتحعلی‌بیگی عضو کلون تئاتر آیینی سنتی، پژوهشگر و کارگردان تئاتر که از بنیان‌گذاران این انجمن است، می‌گوید: «هنوز نتوانستیم کار مهمی برای تعزیه‌خوانی در ایران انجام دهیم. این انجمن هنوز یک دفتر ثابت ندارد که اعضای آن‌که همه از بهترین تعزیه‌خوانان ایران هستند، در آن جمع شوند و به مشکلات خودشان بپردازند.»

فتحعلی‌بیگی مهم‌ترین علت نپرداختن به این هنر را نداشتن



هیچ نهادی از تعزیه حمایت نمی‌کند

# تعزیه‌ای برای تعزیه ایرانی

**فرزانه ابراهیم‌زاده**

بودجه مصوبی می‌داند که بتواند در کنار آن هم جایی را فراهم کند و ساختمان اداری خود را راناندازی کند: «تنهار هر آمد این انجمن در حال حاضر حق عضویت اعضای آن است که آن هم مبلغ قابل توجهی نیست که بتوان با آن فعالیت‌هایی برای حفظ تعزیه انجام داد.»

یکی دیگر از مشکلاتی که فتحعلی‌بیگی مانند خیلی دیگر از کارشناسان و تعزیه‌خوانان به آن اشاره می‌کند این است که برخلاف همه وعده‌هایی که در سال‌های گذشته مبنی بر ساخت تکاپایی برای اجرای دایمی تعزیه داده شده هنوز یک تکیه رسمی در تهران و شهرستان‌ها وجود ندارد که تعزیه‌خوانان در آن جمع شوند و برنامه داشته باشند. در سال‌هایی که انجمن تعزیه داشت شکل می‌گرفت، بارها از قول مسوولان شهری این وعده داده شده که قرار است تکیه بزرگی برای اجرای دایم تعزیه راه‌اندازی کنند. حتی دو گزینه مهم هم معرفی شد، یکی سالن تئاتر آیینی سنتی صبا در خیابان شریعتی و

دومی تبدیل مجموعه مذهبی ولی عصر به مرکز اجرای تعزیه. وعده‌هایی که در حد وعده باقی ماند. فتحعلی‌بیگی می‌گوید: «ضیی از نهادهای بودجه زیادی در دست دارند که می‌توانند به آن اختصاص دهند و برای حفظ و اشاعه تعزیه سرمایه‌گذاری کنند

## تئاتر



تئاتر تعزیه در تهران. در این تئاتر، تعزیه‌ها با استفاده از لباس‌های رنگارنگ و نقاب‌های سفید، با استفاده از موسیقی زنده و تئاتر، به نمایش درمی‌آید.

اما من که تا به حال نشنیده‌ام یک نهاد دولتی که می‌تواند از تعزیه حمایت کند، ردیف بودجه‌ای خاص در اختیار شبیه‌خوانی بگذارد. در همین مرکز هنرهای نمایشی و سایر مراکز وابسته فرهنگی هر گاه حمایتی از تعزیه شده است به دلیل تعلق خاطر مدیر آن نهاد دولتی بوده.»

**نبرد پژوهش برای حفظ تعزیه**

فتحعلی‌بیگی معتقد است تا زمانی که جایی برای انجام پژوهش‌های گسترده در حوزه تعزیه نیست، وضعیت این هنر رو به بحران است: «هرست است، کسانی هستند که علاقه‌مندند به تعزیه بپردازند اما کمتر کسی به طرف کارهای پژوهشی می‌رود. در حال حاضر بیش از ۲۰۰ مجلس تعزیه در سراسر ایران هست که هیچ کار تحقیقاتی روی آنها نشده است. بیشتر این مجالس هم مجالس تعزیه غریب هستند. انجمن تعزیه‌خوانان ایران یک شرح وظایفی دارند که باید به آنها بپردازند. تحقیق و پژوهش درباره این هنر باید با حمایت دولتی باشد. اساسا باید بنیادی برای

تعزیه راهاندازی شود تا در کنار سایر کارها، بخشی هم به پژوهش درباره تعزیه اختصاص یابد.»او می‌گوید: «اگر تعزیه در دوره‌های گذشته مانند دوره قاجاریه زنده و پویا بود، جذا از بحث تئاتر‌های مدرنی که الان آنها را می‌شناسیم، به دلیل حمایت بخش دولتی

از آید هنر بود. در کنار اینها کمک‌های مردمی هم بود که به برپایی تعزیه کمک می‌کرد. ما الان حمایت مردمی را داریم اما خبری از حمایت‌های دولتی نیست. اجرای تعزیه پول می‌خواهد. همین زمان هم مردم زیادی هستند که نذر می‌کنند که تعزیه‌خوانی برپا کنند و هر ساله هم در تهران و بعضی از شهرها نذرهای خودشان را در اختیار تعزیه‌خوانان قرار می‌دهند تا در ثواب شبیه‌خوانی شریک باشند. برای همین تنها در دهه محرم یا شسب‌های قدر به دنبال برگزاری تعزیه هستند و به سمت تعزیه‌های به اصطلاح خودی می‌روند. تعزیه‌هایی که مربوط دهه نخست ماه محرم و شهادت امام حسین(ع) است. خیلی از کسانی که به مجالس تعزیه می‌آیند، آشنایی زیادی به مجالس تعزیه غریب ندارند.»

**ثبت جهانی گامی که به عقب رفت**

تعزیه سال گذشته در جریان اجلاس یونسکو به عنوان سومین اثر میراث جهانی ایران در کنار آثار دیگری چون تئاتر نوی ژاپن و کاتاکالی هندی ثبت‌شد. عظیم موسوی که مسوولیت پرورنده ایران در ثبت جهانی را برعهده داشت با اینکه معتقد است، تعزیه هنری نیست که به این آسانی از دست برود، می‌گوید: «انتظار می‌رفت بعد از ثبت جهانی تعزیه، دولت آن را به حال خود رها نمی‌کرد و فضای فرهنگی- هنری را برای سازماندهی به آن فراهم می‌کرد. اما در این یک سالی که از ثبت تعزیه گذشته هنوز هیچ اقدامی نه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نه سازمان میراث فرهنگی و نه هیچ نهاد دیگری برای حمایت از تعزیه و تعزیه‌خوانی نشده

است. تعزیه‌خوانان همچنان چشم‌به مردم دوخته‌اند که مانند همه ۴۰۰سال گذشته با اعتقاد قلبی از آن حمایت می‌کنند.»موسوی می‌گوید: «تعزیه به عنوان یک میراث ملی ثبت شده و در میان آثار فرهنگی جهان هم قرار گرفته است، یعنی همان قدری که تخت جمشید و میدان امام اصفهان مهم هستند و به حال خود رها نشده‌اند تعزیه هم باید از حمایت برخوردار باشد. از زمانی که تعزیه ثبت شد حتی یک جشن یا آیین برای ثبت آن گرفته نشد. در حالی که همزمان با این هنر، موسیقی عاشیق‌های آذربایجان شوروی هم ثبت شد. ما شاهد بودیم که به مناسبت آن جشن بزرگی در باکو برگزار شد اما در مورد تعزیه ایران آب از آب تکان نخورد. انگار برای هیچ‌کدام اهمیتی نداشت ما امسال شاهد بودیم که دولت آیین بزرگی برای نوروز برگزار کرد. در حالی که نوروز با هفت کشور دیگر همراه است، اما توجهی به تعزیه نداشتند.»او نداشتن مکلی برای اجرای دایم تعزیه را از جنبه دیگری می‌بیند: «ثبت آین اثر در آثار جهانی، یک جاذبه گردشگری به شمار می‌آید. وقتی یک گردشگر به ایران می‌آید می‌تواند در کنار دیدن بناهای تاریخی از نمایش سنتی ایرانی هم استفاده کند. شمالا آن اگر به ژاپن سفر کنید می‌بینید که در کنار جاذبه‌های گردشگری تماشخانه‌هایی برای اجرای تئاتر کابوکی یا نو دارند اما در همین تهران حتی یک تکیه رسمی وجود ندارد که یک روز در هفته تعزیه اجرا کند تا گردشگری که می‌خواهد با فرهنگ ایرانی آشنا شود از آن هم دیدن کند.»این کارگردان تئاتر موضوع نداشتن بودجه مصوب را بهانه می‌داند و معتقد است، برخی از نهادهای دولتی مثل اوقاف، ردیف ویزهای برای حمایت از تعزیه دارند که از آن در راه استفاده نمی‌کنند.

تئاتر تعزیه در تهران. در این تئاتر، تعزیه‌ها با استفاده از لباس‌های رنگارنگ و نقاب‌های سفید، با استفاده از موسیقی زنده و تئاتر، به نمایش درمی‌آید.

تئاتر تعزیه در تهران. در این تئاتر، تعزیه‌ها با استفاده از لباس‌های رنگارنگ و نقاب‌های سفید، با استفاده از موسیقی زنده و تئاتر، به نمایش درمی‌آید.

تئاتر تعزیه در تهران. در این تئاتر، تعزیه‌ها با استفاده از لباس‌های رنگارنگ و نقاب‌های سفید، با استفاده از موسیقی زنده و تئاتر، به نمایش درمی‌آید.

## تعزیه و المان‌های نمایشی مدرن و پسامدرن

این تشخیص بخشی به ایزه، گاه آنها را به سوزه‌هایی فعال در صحنه بدل می‌کند؛ مانند نخل تابوت در تعزیه امام حسین و نشست آب در تعزیه عباس.

**حضور دایم کارگردان و دخالت او در حین اجرا**

معین‌البگاه (کارگردان تعزیه) در ابتدای اجرا، داستان را برای مخاطب توضیح داده و در حین اجرا نیز با فی‌المجلس گویی و تنظیم اشتباهات شبیه‌خوانان یا با اجرایی فعال در حاشیه‌روی در یک اجرای تعزیه شرکت فعال داشته و متناسب با شرایط دست به عمل ویژه‌ای می‌زند.

**آگاهی و اشراف تماشاگر و بازیگر بر سرانجام واقعه**

مخاطب تعزیه از ابتدای شرکت در آن می‌داند که قرار است در پایان چه اتفاقی بیفتد. در حقیقت او با باور مذهبی و برای گریستن نر تلخی پایان، به صحنه آمده و از همین روی پیش از آغاز، آماده است. اما آن‌دسته از تماشاگران هم که بدون این آگاهی به صحنه آمده‌اند در ابتدای اجرا و توسط معین‌البگاه، از پایان مطلع می‌شوند. شبیه‌خوان اولیا می‌داند که بناست بمیرد و شبیه اشقیا به شرارت و لعین بودن خویش آگاه است.

**موسیقی هویتی مستقل**

موسیقی را به نوعی می‌توان روح تعزیه دانست. موسیقی تعزیه تنها صدایی در همراهی با فضاسازی نیست. موسیقی تعزیه به عنوان عاملی کلان‌ار داماتیک، هویتی مستقل، فاعلانه و کاراکترگونه دارد. سرازهای مختلف، دستگاه‌های موسیقی مختلف، ضرابهنگ‌های متفاوت هر کدام نمایشگر پدیده‌ای خاص هستند. دمیمن در شبیور از ورود تازه به صحنه می‌گوید و صدای سنج، ضربات شمشیر را می‌سازد، غارت خیمه‌ها و اسلحه‌پوشی شمر بدون موسیقی ویژه خود اصلا قابل تصور نیستند. خواندن در مایه چهارگاه و شور و نوا نمایش اولیاست از می طبل می‌تواند به تغییرات ویژه انواع مختلفی از فضاهای متفاوت را ترسیم کند. مثل طبل جنگ، طبل بشارت، طبل هلهله، طبل عزرا، طبل کین و…

**مکت**

مکت را یکی از اتفاق‌های تئاتر مدرن می‌دانند. درک لزوم سکوت، توقف و حضور خالی. در تعزیه مکت و لزوم وجود آن به‌خوبی درک شده و در اکثر اجراها از آن بهره برده می‌شود. البته مکت تعزیه در سکوت اتفاق نمی‌افتد بلکه با صدای زیر طبل به نمایش درمی‌آید.

**شرکت مخاطب در اثر**

مخاطب تعزیه، حضوری فعال در اثر دارد. او دور تالور صحنه‌ای گرد بدون پرده و بدون تفکیک از صحنه، جزیی از روند اجرا محسوب می‌شود. شبیه‌خوان و معین‌البگاه به سرانجام تعزیه و با او حرف می‌زنند، در نوحه، مرثیه و آواز از او مدد می‌گیرند و با شور، حرارت و درگیری احساساتش، اجرا رنگین‌تر و شکوهمندتر می‌شود.

#### تماشا خانه

**رد پای تعزیه در آثار نمایشنامه‌نویسان مدرن**

### روایت مدرن به هنری کهن

■ با این دو شمشیر که به خودم می‌بندم با ذوالفقار علی برابریم. این سینه پوش آهنین، نشان آهن دلی‌ام! این کلاه‌خود تیغ‌شکن، پاسخی در خور سیاف اگر تیغ کشد به فرق سرم‌ان پسر ملجم «مجلس ضربت خوردن، امیر بهرام‌بیضایی»

خیلی از پژوهشگران معاصر بر این عقیده‌اند که آنچه تعزیه را از سایر گونه‌های نمایشی متمایز از سایر گونه‌های نمایشی مشابه خود می‌کند، ذات مدرن و قابلیت تطبیق آن با شرایط روز است. بهرام بیضایی معتقد است: «تعزیه اگر به حال خود رها می‌شد تا زندگی طبیعی خودش را طی کند به شکلی از نمایش غیرمذهبی می‌رسید. در واقع با تغییر فضا و مکان، به قرار دادهای مشابهی می‌رسید که در این نمایش به آنها رسیدیم. البته من این نمایش را برای اثبات این موضوع ننوشتم. سیال بودن زمان و مکان در تعزیه، همیشه به کمک آمده‌است.» او با همین هدف هم شروع به به روز کردن برخی سنت‌های نمایشی تعزیه کرد، به دنبال بیضایی گروهی از هنرمندان با بهره‌گیری از اصول نمایش سنتی ایران و برخاسته از فرهنگ و تاریخ ایران و تلفیق شیوه‌های نوین تئاتر گونه‌ای نمایش را به روی صحنه بردند که کارشناسان تئاتر را به رسیدن به تئاتر ملی دلگرم کردند. کسانی چون محمد چرم‌شیر، حمید امجد و محمد رحمانیان. آن چه می‌خوانید رویکردی مدرن از تعزیه در آثار این نمایشنامه‌نویسان است.

**ندبه**

در میان آثار به روز شده تعزیه ندبه بیضایی، بی‌تردید بهترین اثری است که تعزیه را در قالبی مدرن به صحنه کشانده است. داستان حکایت ورود دختر جوانی به نام زینب، در بحبوحه مشروطه، در خانه‌ای است که در میانه داستان مشخص می‌شود، خانه زنان است. این نمایش با محور دو گونه نمایشی بازی‌های زنانه و تعزیه شکل گرفته است. منتها بیضایی روایت خودش را از تعزیه داشته است. در این نمایش اشقیا به شیوه نمایش‌های سنتی نیستند. همان‌گونه که اولیا هم زمینی شده‌اند. صحنه لباس پوشیدن زینب در صحنه‌های پایانی این نمایش یکی از درخشان‌ترین بخش‌هاست. هر تکه از این لباس را از یکی از دوستان می‌گیرد. لباسی هفت تکه از پیراهن و شلیته و چارق و رووند و عبا. صحنه کربلای زینب در ندبه میدان توپخانه است که زیر آماج توپ و شرنبل قزاق‌ها و نیروهای محمدعلی شاه‌ی است. حرف‌ها، حرف‌های مشروطه‌خواهی است. در روایت بیضایی این زینب است که در نهایت در میدان توپخانه تکتکه می‌شود. روزی باشد که فنا بیاید، روزی که دیوارها ناپستند، روزی که پاکی آماج تهمت شود.

مجلس شبیه در ذکر مصایب استاد نوید ماکان



و همسرش مهندس رخسید فرشی‌د، یکی دیگر از رویکردهای بیضایی به تعزیه مدرن است. او با بهره‌گیری از برخی از المان‌های تعزیه در این اثر امروزی روایت خودش را از یکی از وقایع تاریخ معاصر در قالب تعزیه دارد. در این نمایش همسرایان مانند نوحه‌خوانان عمل می‌کردند. البته این نمایش بیضایی برخلاف آثار دیگرش به صحنه رفت اما هیچ‌گاه چاپ نشد. او بعد از این نمایش مجلس ضربت زدن را نوشت که نوعی برداشتی از تعزیه علوی شهادت امام علی بود.

**شهادت‌خوانی مشروطه**

در میان نمایشنامه‌نویسان جدیدتر محمد رحمانیان با سه روی صحنه بردن سه نمایش با بهره‌گیری از شیوه‌های تعزیه، نگه تازه‌ای را در این قالب نمایشی به وجود آورد. او در سه نمایش «پل»، «شهادت‌خوانی قمشاد مطرب» و «اسب‌ها، سال ۵۸هجری شمسی» گونه‌هایی از تعزیه را با نگاهی مدرن به صحنه برد. او در هریک از این سه اثر، نمایشی را براساس قرار دادهای نمایش سنتی نوشت. پل بخشی از حکایت عاشورا به شیوه استفاده از تعزیه‌های مشهور، حکایت می‌کند. در اسب‌ها این واقعه از جنبه دیگری مطرح می‌شود. در سومین اثر یعنی شهادت‌خوانی قمشاد مطرب در تهران فارغ از روایت مستقیم حادثه به شیوه دو کار پیشین با نگاه تازه‌ای به تعزیه می‌پردازد یعنی به جای استفاده از قرار دادهای تعزیه آن را در داستانی معاصر شیوه‌هایی را می‌آزماید. دو نمایش پل و اسب‌ها در صدر اسلام می‌گذرند اما شهادت خوانی روایت امروزی‌تر دارد و مانند ندبه بیضایی در دوران مشروطه رخ می‌دهد. رحمانیان در هر سه این آثار با استفاده از خاصیت جابه‌جایی از مجالس مشهور تعزیه، استفاده به جایی برده است. تعزیه شهروانه، تعزیه حر، شهادت حضرت علی اکبر، عروسی قاسم، شهادت امام حسین، تعزیه وهب نصرائی در ایسن آثار بازخوانی می‌شود. این تعزیه‌ها در نمایش اسب‌ها از زبان اسب‌هایی که شاهد و ناظر معرکه بودند، نقل می‌شود. اما در شهادت‌خوانی قمشاد مطرب در تهران با آمیخته شدن این تعزیه‌ها با روایتی معاصر شکل امروزیی می‌گیرد و شخصیت‌ها را فرورفتن در قالب نقش به جابه‌جا می‌شوند. البته او بیش از این سه نمایشنامه در مجلس نامه دو گونه نمایش سنتی تخته حوضی و تعزیه از تلفیق کرد. قصد داشت در نمایش روز حسین نیز با دو رویکرد امروزی و تعزیه اصلی سبک جدیدی را در نمایش بگذارد. نمایشی که در مرحله اجرا توقیف شد. به جز رحمانیان، حمید امجد در نمایش زانو و حسینی کباتی در نمایش‌های متعدد به این‌گونه نمایشی نگاه داشتند.